



یا یاد یا

تا خط دیدار

یکصد و یک دوبیت، به نام صاحب و به یاد آن مولای غایب  
به کوشش سید خلیل سیدزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیدزاده، سید خلیل، ۱۳۳۳، گردآورنده.

با یاد یار تا لحظه دیدار / [گردآورنده] سید خلیل سید زاده - تهران:

مهام، ۱۳۸۰.

۷۶ ص. ISBN 964 - 6791 - 10 - 7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. محمدبن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - شعر. ۲. شعر فارسی -

مجموعه‌ها. ۳. شعر مذهبی - مجموعه‌ها. الف. عنوان.

۸ فا ۱ / ۰۰۸۳۵۱ PIR ۴۱۹۱ / م ۳

کتابخانه ملی ایران

۸۰ - ۱۳۸۳۲ م

محل نگهداری:

## مهام

### با یاد یار تا لحظه دیدار

گردآوری و تدوین:

سید خلیل سیدزاده

ویرایش:

محمد مهدی عقابی

حروف نگاری:

محمد طلپس چی - رضا نکاوتی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۰

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: چهار صد و پنجاه تومان

شابک: ۹۶۴-۶۷۹۱-۱۰-۷

ISBN:964-6791-10-7

انتشارات مهام

تهران - صندوق پستی ۷۹۹-۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۹۳۳۹۱۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

# بابا دیار تا خط دیدار

انتشارات معاصر

۱۴۸۰

صفحه

فهرست

۵	.....	سخن ناشر
۷	.....	پیشگفتار
۱۱	..... «ولادت و لیعصر (عج)»	میلاد یار فصل اول
۲۱	..... «مدایح و لیعصر (عج)»	رُخ یار فصل دوم
۲۳	..... «حبّ و لیعصر (عج)»	مهر یار فصل سوم
۴۱	..... «دعا، توسل و مناجات»	تمنای یار فصل چهارم
۵۱	..... «انتظار»	فراق یار فصل پنجم
۶۵	..... «ظهور»	دیدار یار فصل ششم
۷۴	.....	فهرست اسامی شاعران

## سخن ناشر

پذیرش ولایت امام معصوم (ع)، شرط ایمان و معیار اصیل بندگی خداوند است و مطابق روایات قطعی الصدور از ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع) هر آنکه امام زمان خویش را نشناسد هرگز گام بر محدوده ایمان ننهاده است و چنانچه در چنین حالی از دنیا برود، به مرگ جاهلانه، از دنیا رفته است.

تولی به ولایت امام در هر عصر و زمان، تنها راه نجات است و تحقق ایمان حقیقی به توحید و نبوت، موکول به پذیرش ولایت آن بزرگواران است. این اعتقاد، شرط قبول اعمال بندگان در روزگار واپسین است و اگر کسی تمامی عمر خویش را به نماز گذراند و تمامی روزهای زندگی خویش را روزه بدارد ولی واجد این گوهر عظیم یعنی ولایت نباشد، خداوند او را در روز قیامت عذاب خواهد نمود.

معرفت امام، برترین راه تقرب به ساحت قدس الهی و تنها راه نجات از فتنه‌های دوران ویگانه طریق اهتداء به هدایت الهی و بزرگترین نعمتی است که خداوند متعال به بندگان خویش عطا کرده و بدین وسیله خیر و برکت فراوانی را شامل حال ایشان نموده است.

از طرفی، با توجه به اهمیت پذیرش ولایت و شناخت امام برای تمامی مؤمنان در هر عصر و زمان، چنین به نظر می‌رسد که مهمترین وظیفه برای دانشمندان و آگاهان امت، شناساندن وجود مقدس آن بزرگوار و تبلیغ و اعتلای نام مقدس آن حضرت می‌باشد. از میان وظایفی که در زمان غیبت امام عصر (ع) برای شیعیان آن حضرت بر شمرده شده، مهمترین وظیفه همین وظیفه است و بر مؤمنان دانا و عارف به وجود مقدس آن حضرت است که به اقتضای فریضه مهم و غیر قابل ترک امر به معروف، گمگشتگان و محرومان و منحرفان از طریق آن حضرت را به راه او هدایت کنند و ایتم آل محمد (ص) را که همانا جوانان شیعه محروم از دیدار

امامشان هستند و در زمان غیبت او دچار فتنه‌ها و مشکلات روحی و اخلاقی شده و ارتباط خویش را با امام عصر (ع) قطع کرده‌اند، با آن بزرگوار پیوندی مجدد دهند. از میان ابزار مختلفی که برای تبلیغ نام مقدس آن حضرت می‌توان برشمرد، ابزار سخن و بخصوص شعر، از اهمیتی والا برخوردار است. شعر، مجموعه‌ای آرایش یافته از عاطفه و تخیل است که با زبان آهنگین شکل گرفته و به خاطر انعطاف و خصوصیات منحصر به فردی که دارد، بهترین بستر برای گزارش شور ایمان و آرایه عشق خالصانه به ساحت مقدس پدر و مولای مهربان ما حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است.

در طول تاریخ غیبت آن بزرگوار، فراوان بوده‌اند شاعران دلسوخته‌ای که احساسات شورانگیز خویش در قالب نظمی آهنگین و به صورت شعر بر اوراق نگاشته و چون آنچه را که سروده‌اند، باور داشته‌اند و به قولی از دلشان برآمده است، بر دل خوانندگان نیز بسیار خوش نشسته و می‌نشیند. بدین ترتیب است که ادبیات مهدوی و به خصوص شعر مهدوی شکل گرفته است.

صفحاتی که در پیش‌رو دارید، دربرگیرنده یک‌صدویک دوبیت به عدد لقب مبارک صاحب از میان انبوه اشعاری است که شاعران و مدیحه‌سرایان پارسی‌زبان در مدح و منقبت آن مولای غایب سروده‌اند و نشانه سوز و گداز عاشقانه دوستان و محبتان آن حضرت (ع) به زبان تأثیرگذار شعر می‌باشد تا در اوج عاطفه سر بر آستان درگاهش بسایند و کرامت آن بزرگوار را به گوش جان اهل معرفت برسانند.

در اینجا لازم است از برادر گرامی جناب آقای سیدخلیل سیدزاده که زحمت انتخاب و جمع‌آوری اشعار را به عهده داشته‌اند، قدر دانی گردد و همچنین از جناب آقای مهرزاد تاوان که با علاقه فراوان و هنرمندی خاص بر انجام حروف‌نگاری مجموعه نظارت داشته‌اند و نیز از جناب آقای محمدرضا هادوی که با ذوق و سلیقه هنری والای خویش، طرح روی جلد را به تصویر کشیده‌اند تشکر و قدردانی می‌گردد. امید است ثوابی از این نوشته به روح پاک دوست عزیزمان مرحوم محمدعلی ظهوری واصل شود.

**با یاد آن یار مهربان دور از نظر تا لحظه ظهور و دیدار**

**مؤسسه انتشارات مهام**

**مهرماه ۱۳۸۰**

## « هجر یار مهربان »

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ. (۱)

بارالها، کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستین ات « امام مهدی علیه السلام » را اصلاح فرما؛ همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح نمودی...

بار الها، درد فراق یار، ما را آزرده!

بار گران هجران، بر ما سخت و دشوار گشته!

قلت یاران و کثرت دشمنان، ما را نگران ساخته!

فتن و بلایا از همه طرف یکی پس از دیگری ما را محاصره نموده!

غیبت ولی تو، ما را به حیرت و سرگشتگی واداشته!

اما در این میان، تنها امید به ظهور او، تاریکیهای غیبت و سرگشتگیهای دوران حیرت را بر ما قابل تحمل می کند.

خدایا، ما منتظر بشارت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در عیدالله الا کبر هستیم. ما منتظر موعود غدیریم!

هنوز صدای پیامبر صلی الله علیه و آله را از صحرای جحفه در کنار برکه غدیر می شنویم که ما را به ظهور آخرین حجت خدا بشارت می دهد.

پروردگارا، انتظار به شدت گراییده؛ غیبت حجت تو به درازا کشیده؛ اکثر مردم به گمراهی و ضلالت دچار شده اند و فقط عده قلیلی آن هم کسانی که به عروة الوثقی و دستگیره محکم الهی یعنی تولی و تبری دست یازیده اند، هدایت یافته شدگان اند.

خدایا، غیبت ولی عصر از وحنا فداه طولانی شده و حیرت مردمان را باعث گشته؛ تا جایی که حتی عده ای در میلاد وجود مبارک او به شک و تردید افتاده اند و با خود می گویند: مهدی علیه السلام متولد نشده است!! و مگر می شود فردی این همه سال عمرش به درازا بکشد؟ غیبت به اندازه ای به درازا کشیده که عده ای از

۱ - بخش ابتدایی دعای امام رضا علیه السلام که در قنوت نمازهای ظهر جمعه قرائت می فرمودند.



جاهلان و ناآگاهان می گویند: مَا لَبَّيْهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ (۱)!! دیگر خدا را به خاندان پیامبر نیازی نیست!! اما با اینکه غیبت ولیّات به درازا کشیده، انتظار ارزش پیدا کرده است و جزو بالاترین عبادات محسوب می شود و دوست داشتنی ترین کارها نزد خدای متعال است. در این زمان است که منتظرین قدوم مبارکش، برترین مردم تمام دورانهایند: برتر از مردم دوران موسی کَنِيمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ و حواریون عیسی روح اللّٰهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ و یاران محمد رسول اللّٰهُ ﷺ و حتی برتر از مهاجرین و انصار و برتر از همه مؤمنان و مؤمنات همه اعصار و قرون! چون آنها رهبرشان را می دیدند و اطاعت می کردند؛ ولی در دوران غیبت کبری، منتظرین واقعی، امامشان را ندیده باور دارند و اطاعت می کنند و بر سیاهی به سپیدی مؤمن اند و غیبت را حضور می انگارند؛ آنها هستند که خود را در زمزم ولایت شسته اند و در کوثر امامت و ولایت خود را تطهیر و پاک کرده و صفا بخشیده اند.

آری، آنها شیعیان و دوستاناران راستین و پایدار ائمه اجمعین عليهم السلام هستند. آنها در غیبت به درازا کشیده حضرت ولی عصر ارواحنا فداه سر از پا نمی شناسند و از پا نمی نشینند و لحظه ای درنگ نمی کنند. آنها بید منتظران راست قامت و جاوید که اگر در آن حال جان به جان آفرین تسلیم کنند، تو گویی در خیمه حضرتش و همراه او شمشیر آخته خویش را از غلاف کشیده و در رکاب حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شهادت رسیده اند!

انتظار فرج حضرت مهدی عليه السلام به اندازه ای در روایات توصیه شده که یکی از شروط قبول و پذیرش عبادات محسوب می شود. درک حضورش آن قدر ارزشمند و گران سنگ و والامقام است که امام صادق عليه السلام در پاسخ این پرسش که آیا حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شده اند، فرمودند: نه!! اگر من او را درک می کردم تمام ایام عمرم او را خدمت می کردم. «لَوْ أَدْرِكْتُهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي» (۲).

بار الها، شب یلدای غیبت ولیّات طولانی گشته؛ منتظران، منتظر قدوم منتظرند!! هر بار که سیاهی شب به سپیدی صبح بدل می گردد و روشنایی روز در سیاهی شب فرو می رود و تاریکی و ظلمت همه جا را فرا می گیرد، دوستان و شیعیان آخرین ذخیره ات در تب و تاب غیبت اش می سوزند و می سازند و زیر لب چنین زمزمه می کنند:

مهدیا، کعبه شد از تاب تو بیتاب، بتاب  
 خَجَزُ از آتش هجران تو شد آب، بتاب!  
 ای منتظر و ای منجی بشریت و ای آخرین ذخیره الهی، ای حجت بن الحسن العسکری و ای صاحب

۱ - روایتی از امیرالمؤمنین عليه السلام عنی عليه السلام، کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲ - غیبت نعمانی ص ۲۴۵ بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

الزمان، بیا و بر دل‌های زخمی و مجروح و خسته شیعیان و محبین خود مرهمی بگذار. می‌دانم که هرگاه پیروانت و دوستدارانت زبان به شکوه و گلایه دوران غیبت گشوده‌اند، فرموده‌ای: دلم را نسوزانید... کار به دست من نیست! خدا باید اجازه دهد. وَأَذِنُ لَهُ فِي جِهَادِهِ عَدُوكَ وَ عَدُوهُ (۱)!!

خدایا، اجازه جنگ با دشمن خودت و دشمن ولی عصر ارواحنا فداء رابه او بده!

یا بقیة الله، بیا و قبر مخفی و پنهان مادرت رابه ما بنما!

یا ابا صالح، رخ بنما و انتقام خون جدت حضرت حسین علیه السلام و فرزندان و یارانش را بستان!

یا صاحب الزمان، دست تهی مان به دامان پر عضوقت باد! هر شب به امید ظهورت و با سلام بر تو و اجداد بزرگوart به بستر می‌رویم و صبحگاهان به امید فرجت قدم از قدم برمی‌داریم و با دعای فرجت و صدقه برای سلامت تو، زندگی را آغاز می‌کنیم. روزهای هفته را یکی پس از دیگری سپری می‌کنیم تا روز جمعه فرا برسد؛ شاید نظاره گر فرجت باشیم. بامدادان جمعه را با اشتیاق و امید ابتدا می‌کنیم و عصر جمعه که از راه می‌رسد، بار دیگر غم و غصه تنهایی و دوری و فراق و هجر تو قلبمان را می‌فشارد و بارگرانی بر دل‌های دوستان و شیعیان تو تحمیل می‌گردد! و هفته‌ای دیگر رابه امید آدینه‌ای دیگر سپری می‌کنیم تا شاید آدینه بعد، روز وصل ما با تو باشد! ولی هیهات و هیهات، افسوس و صد افسوس که روزها و هفته‌ها و ماهها و سالها شتابان و بی‌صبرانه از پی هم می‌گذرند و چشمان بی‌رمق و اشکبار و قلوب خسته و محزون پیروانت همچنان در پی دیدار تو و درک حضورت به انتظار می‌نشینند!!

اما در میان این همه ناامیدی و دل‌سردی از طولانی شدن غیبت و دوران حیرت و سرگردانی، شما رابه روایتی بس امیدوارکننده و نجات دهنده که از دو لب مبارک حضرت صادق علیه السلام صادر شده است، فرا می‌خوانم:

يَا فَضِيلُ اعْرِفْ اِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرْك تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ (۲).

ای فضیل، امامت را بشناس! که اگر امام خود را بشناسی، دیر یا زود شدن آن (امر فرج) تو را ضرر نمی‌رساند.

به امید جمعه‌ای هرچه زودتر که نوای حزین‌مان را پاسخ مثبت گوید: «مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ» (۳)؟ کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را؟

۱ - بخشی از دعایی که حضرت رضا علیه السلام در فتوت نماز ظهر جمعه خویش فرات می‌فرمودند.

۲ - منتخب الاثر، ص ۵۱۵ / غیبت طوسی، ص ۲۷۶ / اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳ - بخشی از دعای تدبیه.

و سرانجام:

یا ابا صالح المهدی، ادرکنی. می دانم که خود نیز برای فرجت دست دعا برمی داری و عرضه می داری:

”اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي<sup>(۱)</sup>؛ خدایا، وعده ای را که به من داده بودی، تحقق بخش!

ای دوستاناران و پیروان حضرتش، بیاید به ندای مظلومانه مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا

فداه لبیک گوئیم که می فرماید:

”واكثر الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم<sup>(۲)</sup>“: برای ظهور و فرج بسیار دعا کنید که آن خود برای

شما فرج است.

پس دستهای پرگناه خود را سوی پروردگار عالمیان دراز کنیم و عرضه بداریم:

خدایا به فرق دوتای برالحسن عليه السلام

لخت جگرهای حسن عليه السلام

بازوی زهرای جوان

رأس شه لب تشنگان،

هرچه زودتر لباس زیبای فرج را بر قامت رعنا می مهدی عليه السلام بپوشان!

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.

۵شنبه ۱ شهریور ۱۳۸۰ (شهادت حضرت فاطمه زهرا (۳))

مشهد مقدس

سید خلیل سیدزاده

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۱ / بحار، ج ۵۲، ص ۳۰ / کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۴۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۰.

فصل اول

میلاد یار

(ولادت و لیصیر) (ع)

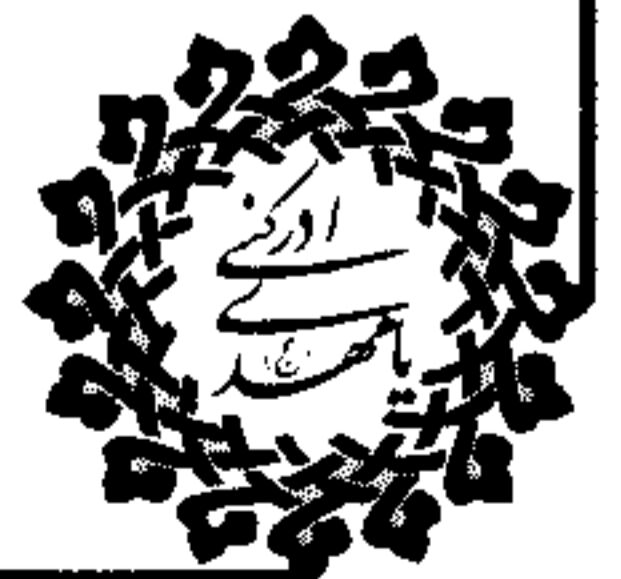
امشب خاکِ سامرا، ماہی فروزان آمدہ

کز پرتو نورش جہان چون وز رخشان آمدہ

موجِ ملائک صف بہ صف، شادان و خندان آمدہ

زیرا ظہور آتیسے، ز آیاتِ رحمن آمدہ

علی آہی





ای منتظران، مرده که این منتظر آمد

محبوب خدا حجت ثانی عشر آمد

در نیمه شعبان به دو صد طنطنه و ناز

مقصود حق از خلقت جن و بشر آمد

محمد علی (علیه السلام)

ای منتظران، مرده که منتظر آمد

از مولداو، جان نوین دگر آمد

مولود شد آن منتقم آل محمد

زود است منیم که از پرده در آمد

برکوبه اسرائیلیان، گوید موسی آمد

بر پروان عیسی، گوید عیسی آمد

گوید بر ایرانیان، از نزل کسری آمد

بر هاشمیون ده نذا، فرزند زهرا آمد

علی آهی

مردہ امی دل کہ عید زہرا شد

حجت بن الحسن ہویدا شد

باج خلقت شگفت و خرم گشت

گل زرگس چو مجلس آرا شد

حبیب چایچیان (حسان)





آمد به جهان مهدیؑ، بانعرهٔ تکبیرش

تا زنده کند عالم، بکبیر حبس تکبیرش

اکناف جهان کرد ذیک ساعت تخریش

تا بود شود دشمن، از ضربت شمشیرش

محمد حسن فرحبخش (زولیدهٔ نیشابوری)

آمد به جهان مهدی تا ملک جهان گیرد

گلزار ولایت را از دست خانی گیرد

داد دل کلمه را از باد خزان گیرد

قد اوقه او امشب در عرش مکان گیرد

محمد حسن فرحبخش (زولیدهٔ نیشابوری)



آنکہ در پیکر او خون حسین بن علی است

پی خونخواہی سالار شہیدان آمد

یادگار حسن عسکری پاک سرشت

کہ جهان را کند از عدل گلستان آمد

دکتر قاسم رسا (رسا)

او آمدہ تا سازد، شادان دل زہرارا

تا آنکہ کند آسان حق مشکل زہرارا

از قبر کند بیرون او قاتل زہرارا

ہم باغ فدک گیرد ہم حاصل زہرارا

محمد حسن فرحبخش (زولیدۃ نیشابوری)





صبحدم پیکت میجادم جانان آمد  
گفت بجزیر که آرام دل جان آمد

قائم آل محمد شہ اقلیم وجود  
کہ بنی مذہبی عالم امکان آمد

دکتر قاسم رضا (رضا)

سحر این مژده در گوشم بہ باز و دلبری آمد  
کہ میلاد ولی عصریابن العسکری آمد

بہ روز نیمہ شعبان بہ امر قادرستان  
قدر قدرت شہی از نسل پاک حیدری آمد

محمد حسن فرحبخش (زولجہدہ نیشاپوری)

امشب گلی از گلشن زیبای زکرس شنبه

یا غنچه ای از شاخه طوبای زکرس شنبه

چون در جهان آن نوگل ز برای زکرس شنبه

بهر مقامشای رخسار گلکهای زکرس شنبه

علی آهی

از صلب حسن عسکری آن حجت کبری

وز آخر شمعون صفا و خست پیوسته

خورشید رخ قائم بر حق شده پیدا

در چرخ چهارم به طرب آمده عیسی <sup>علیه السلام</sup>

سید محمد حسن میر جهانی طباطبایی (حیران)



تجلی کرد خورشید جمال کبریا امروز

به سامرا عیان گردید ختم اوصیا امروز

کلی از کاشن توحید سبکفت و معطر شد

زعط روح بخش او شام ماسوی امروز

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)

آمد آن مابهی که عالم را فروزان می کند

ملک ادرستری چون باغ رضوان می کند

سرزود از حیب ولایت نو گل باغ وجود

بهبه از این گل که عالم را گلستان می کند



فصل دوم

رخ یار

(مدیح و لیسرا)

قیامت قامت و قامت قیامت  
قیامت کرده ای امی سرو قیامت

مؤذن گریه کنید قامتت را

به قد قامت بماند تا قیامت





دوست دارم پانھی بر چشم خونبارم کہ

توتیای چشم خود خاک کف پایت کنم

دوست دارم زنده باشم تا سنیم روی تو

تا به جای بدید جان خویش ابدایت کنم

محمد حسن فرحبخش (زولیدة نیشابوری)

دوست دارم روز و شب از حق تنایت کنم

تا کہ دل را بستہ بر زلف چلیپایت کنم

دوست دارم شمع کردی تا کہ من پروانه و

تا نفس دارم طواف روی زیبایت کنم

محمد حسن فرحبخش (زولیدة نیشابوری)

ما پیروان مکتب قرآن سرمدیم

خرم دل از عنایت اولاد احمدیم

دل انداده ایم به هر خار و جنس لی

دلدادگان مدی آل محمدیم

محمد حسن فرحبخش (زولیده نیشابوری)

تویی محیی دین و شرع احمد

تویی محبری فرمانهای ستر

امام منتقم شایا، تویی دتو

تویی قاضی قائم آل محمد

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)







تو صاحبِ دورانی و دوران بہ تو ناز

تو مایۂ امیانی و امیان بہ تو ناز

تو برتر از امکانی و امکان بہ تو ناز

ہفت اختر و نہ گنبد گردان بہ تو ناز

مفتون معدانی

ای شہنشاہی کہ ہستی کرسی ایوان توست

جالس عشرتی و تاج معرفت بر مان توست

عالم امکان چو کوئی در حنم چو کان توست

کردش چرخ و کواکب جملہ در فرمان توست

نواد کرمان

تو ناگهان تری از ناگهان در قدمت

هزار حادثه ناگهان به خاک افتد

بر آستان تو سر می نهیم ای موعود

که مهر و ماه بر این آستان به خاک افتد

محمود سنجری

نه من که پیش نگاهت جهان به خاک افتد

زمین به سجده در آید، زمان به خاک افتد

شب ظهور تو ای آخرین ستاره عدل

به پای سوخت تو سفت آسمان به خاک افتد

محمود سنجری





عسی پیاده ای است بطل لو ای تو

تو پادشاه امری و عسی گدای تو

من بازبان عسی گویم شناس تو

ای مهدی وجود که جانها فدای تو

حکیم صفای اصفهانی

کنگر و طوفان و موج ساحل دریاست این

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیاست این

نور و طور و خبهر و قدر و کوثر و طالاست این

ای و صدیوسف فدایش، یوسف زهر است این

حاج غلامرضا سازگار (مبتم)

گل من، نورچشمان رسول است

گل من، زیب دامن بتول است

گل من، مرتضی را نور عسین است

گل من، طالب خون حسین است

علی اصغر یونسیان (ملتجی)

تو آن می که اگر مهر رخ بر افروزی

ز چشم اهل نظر آفتاب می افتد

تو آن گلی که ز پاکتی طسراوتی داری

که گل به پیش تو از رنگ آب می افتد

سید مهدی حسینی





فرسگان بهشت، کمینه دربان او

عالم خلقت نئی، بزبحر احسان او

معجزه عیسوی در لب خندان او

مطلع انوار حق، چیره تابان او

بجلی

در جهان، با صاحب و هم مقتدا داریم آخسر

ناصر و یار و امام و پیشوا داریم آخسر

یادگار مصطفی و مرتضی داریم آخسر

دادخواه خون شاه کربلا داریم آخسر

آصف

ستی از نور خدا شد نایره بایا و عهدی

خطه با دارند صد با خاطره بایا و عهدی

لاله افشاند به قول طایره بایا و عهدی

کعبه می کرد دبه دور سامره بایا و عهدی

حاج غلامرضا سازگار (میتهم)

من اربے تبدیله روکنم، نظریه روی اوکنم

اقامه صلوة را به کیفیت و کوی اوکنم

گمرا از وطن سفرکنم، همنه بر به سوی اوکنم

ز حج بیت بگذرم طواف کوی اوکنم

فواد کرمانجا



ای زمین سامره، طور تجلی خوانست

یابشت حضرت باری تعالی خوانست

هر چه هستی طور دل، سینای جان می دانست

زادگاه مهدی صاحب زمان می دانست

حاج غلامرضا سازگار (میثم)

درخیز و منا، مروه، صفا و عرفاتش

در حال مناجات شبانگاه توان یافت

در طوس و نجف، سامره، بغداد و مدینه

آن دبر غایب شده را گاه توان یافت

حبیب چایچهان (حسان)



فصل سوم

مهریار

(حب و لیغیر) (ع)



یاد رخسار بروضه رضوان نبی دهم

خاک ریشم بگلستان سلیمان نبی دهم

در ولا سیتی که نفستم از او به دل

تا بنده گوهری است من ارزان نبی دهم

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)





ما حلقہ اگر برد مقصود زدیم

از بندگی حضرت معبود زدیم

این الفت ما به دوست، امروزیت

یک عمر دم از مهدی موعود زدیم

محمد علی مجاہدی (پروانہ)

روزی کہ من زلال محبت چیدہ

تیر بلای عشق تو بر جان حسریدہ

تقدیر من ز روز ازل بود مہر تو

سگر خدا بہ نعمت عطا رسیدہ ام

سید محمد حسن میر جہانی طباطبائی (حیران)

دل مارو بہ سو کے او دارد

شوق دیدار رو کے او دارد

بس کہ شیرین بو حکایت اُو

دم بہ دم گفت و گوی او دارد

سید رضا مؤید خراسانی (مؤید)

گمان کردم کہ دین صوم و صلوة است

جہاد و خمس و حج است و زکوٰۃ است

ولی بشنیدم از روشن ضمیری

کہ مہر دوست، اباب نجات است

علی اصغر یونسیان (ملاجی)





بہ حیات حق پادار و جہان را

بہ حب تو پذیرد بندگان را

خدا در ہر دلی حب تو باشد

بہ او بخشد حیات جاودان را

سید محمد حسن میر جہانی طباطبائی (حیران)

من دل بہ کسے جز بہ تو آسان ہنم

چیزی کہ گران حسیریدم ارزان ہنم

صد جان بہم در آرزوی دل خویش

و آن دل کہ تو را خواست بہ صد جان ہنم

ای امام مستنصر خود آگهی از حال زارم

تا بود جان بر تنم، از مهر تو دل برندارم

ریزہ خوارخوان احسان تو ام ای قلب امگان

من ولی نعمتی از حضرتت بهترندارم

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)

من ریزہ خور سفرہ احسان تو، تم

ناخیز تر از خار گلستان تو، تم

من نوکر تو نیستم ای سرور خوبان

بل خاک کف پای مجبان تو، تم

علی اصغر یونسیان (ملتجی)



عشق مهدی از عهد آموختیم

از شرار عشق او خود سوختیم

گر بیاید جان خود را می دهیم

سرب درگاه جلالش می نهیم

محمد حسین نوروزی

به عهد عهد با مهدی بستم

گره کردم به بازویش دو دستم

وفا باشد مرا تا روز محشر

نفسم که عهد خود شکتم

علی اصغر عقیلی



فصل چهارم

# شمسی یار

(دعا، توسل و مناجات)

رخ نما امی یوسف گم گشته کنعان کعبہ  
جلوہ کنای می آفتاب حسن، از دمان کعبہ  
باز آتا باز کردانی به پیکر، جان کعبہ  
سر بر آورد تا به سر آید غم حیران کعبہ

حاج غلامرضا سازگار (میثم)







از طلعت زیبای تو کرده بر افتد

ماه از نظر مردم صاحب نظر افتد

ای حجت ثانی عشرای مهر حبات تاب

از طلعت زیبای تو کی پرده بر افتد

محمود شریف صادق (وفا)

ای یک سواری عشق و امیان بر کرد

ای معنی باب و قط و میزان بر کرد

بایسد و نیرده ستاره ای ماه

در شام سیاه و سرد انسان بر کرد

محسن عزیزی

شہا، خود آ کے از حال زارم

دگر تاب سگیابی نذارم

ہمی خواہم کہ رخسار تینم

پس آنکہ پیش پایت جان سپارم

سید محمد حسن میر جہانی طباطبائی (حیران)

خوش آن دردی کہ در مانش تو باشی

خوش آن جانی کہ جانانیش تو باشی

خوش آن بزمی کہ در شہامی تارکیت

شہاشمع شتائش تو باشی

سید محمد حسن میر جہانی طباطبائی (حیران)



تو در میان بسع و من در تقم  
کاندر کجا بر آیم و سپید کنم تورا

هر صبح جمعه نذبه کنان در دعای صبح  
از کردگار خویش متناس کنم تورا

سید رضا مؤید خراسانی (مؤید)

گر قسمت ام شود که متناس کنم تورا  
امی رویده جان و دل اهدا کنم تورا

این دیده نیست قابل دیدار روی تو  
چشی دگر بده که متناس کنم تورا

سید رضا مؤید خراسانی (مؤید)

یا مهدی فاطمه، گرفتار توام

در دشت عشن تشنه دیدار توام

بر دیده من خواب حرام است. شب

باز آمی که تا سپیده بیدار توام

احمد ده بزرگی

ای دل شیدا می ما، گرم تنای تو

کی شود آخبر عیان، طلعت زیبای تو

گرچه نهانی ز چشم، دل نبود نا امید

می رسد آخربه هم، چشم من و پای تو





اما مان عاشقِ روستے تو بودند

بیادِ طرہٴ موسے تو بودند

در آن سوز و کداز نیم شبہا

ز جانِ دلِ دعاگوئے تو بودند

علی اصغر یونسیان (ملکجی)

غمِ ہجرانِ ز دوشِ جانِ ما بردار مہدی جان

عنایت کن قدمِ برچشمِ ما بگذار مہدی جان

اگر خواہے بہ ما احسان کنی بھرِ طور خود

بہ درگاہِ خدا دستِ عا بردار مہدی جان

علی اصغر یونسیان (ملکجی)

اگرچہ باعسم و محنت قرینم

ہمی خواہم کہ دوران تو بنم

بہ مرگان، خاک پایت ابروم

زیاران باشم و با تو نشنم

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)

شامہن جیران کہ شننا خوان تو باشم

دانی کہ بہ ہر جمع پریشان تو باشم

کن گوشہ چشمی کہ زیاران تو باشم

اندر دو جہان ریزہ خور خوان تو باشم

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)



مادر امی ایم و حق تو احیامی کنم  
دشمنانت را یکایک خوار و رسوا می کنم

از حسد اذن ظورم اتقا ضاکر کن  
عقدہ نامی قلب پخون تو را و امی کنم

علی اصغر یونسیان (ملتجی)

گفتم شبی به مهدی اذن نگاه خواهم  
بفرصال ویت سوی تو راه خواهم

گفتا که زاد را ہم ترک کنناہ باشد  
من عاشقان خود را پاک از کنناہ خواهم

سید حسین ہاشمی نژاد (ہاشمی)





ما مقصم به جل خداوند سریدیم

بادست پر توان الهی مؤیدیم

شکر خدا که در همه گیر و دار ما

ما شکی به مهدی آل محمدیم



فصل پنجم

# فراق یار

(انتظار)

مژده ای دل شام مشتاقان به سر خواهد رسید  
 وز پس این تیره شب تابان سحر خواهد رسید  
 ای زبان، کم شکوه کن از تنخی ایام حجر  
 دوره ای شیرین تر از شهد و سکر خواهد رسید





آفتابا بس کہ پیدائی نئی دانم کجایی

دور ازمانے وبامائی نئی دانم کجایی

ہر طرف رو آورم زوی دل آرا می تو منیم

جلوہ کرار بس بہ ہر جایی، نئی دانم کجایی

حاج غلامرضا سازگار (میثم)

گاہ چون یونس بہ بحری گاہ چو عسی در پھری

گاہ چون موسی بہ سینایی، نئی دانم کجایی

گاہ دلہارا بہ کوی خویش، از ہر سو کثانی

گاہ خود پنهان بہ دلہایی، نئی دانم کجایی

حاج غلامرضا سازگار (میثم)

ای روشنی دیده احرار، کجایی

وی شمع فروزان شب تار، کجایی

ای دست گل سر سبد باغ رست

وی وارث پیغمبر مختار، کجایی

چه عشاقی که از حجب تو مردند

امید وصل تو در کور بردند

فقط تنها میان بستر مرگ

تو را دیده به پایت جان سپردند





آفتابا طلعت ات در پرده پنهان تابه کی

ماستا با جلوه ای شہای ہجران تابه کی

باغبانا، بی تو خون آب گلستان تابه کی

یوسف، از دیدنت محروم کنعان تابه کی

حاج غلامرضا سازگار (میثم)

چشم شیعہ پر بود از اسات کویں بارتا کی

آہ ز سہر آید از بین در و دیوار تا کی

صوت جدت بے سرنی از لب خن بارتا کی

شیعہ بر مظلومی اسلام گرید زارتا کی

حاج غلامرضا سازگار (میثم)

آتش عشق تو در سینه نهفتن تا کی  
بمہ شب از غم بجز تو نهفتن تا کی

طعنہ ز اغیار تو امی یار شنهفتن تا کی  
روی نا دیده واوصاف تو کفتن تا کی

غلامرضا قدس خراسانی (قدس)

امی مصالح کل، ز دیده پنهان تا کی  
اجاب ز غیبتات پریشان تا کی

بر جسم جهان وجود تو جان باشد  
امی جان جهان جهان بی جان تا کی

مرحوم قاسم استادی (ثابت)





تنتظر من می نشینم، شه شاید مانیاید

بلکه رخسارش... سنینم شه شاید مانیاید

بجز او آتش به دل زد، کربوزم یانوزم

روز و شب با غم قرینم شه شاید مانیاید

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)

تا کی در انتظار تو شب را سحر کنم

شب تا سحر به یاد رخت ناله سحر کنم

ای غایب از نظر، نظری کن به حال من

تا چندیل اسکت روان از بصرم کنم

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)

طغیہ از دشمنت امی دست شنیدن تاکہ

بہ بدن سپرین صبر دریدن تاکہ

پیش رو بودن و روی تو ندیدن تاکہ

بار بھران تو بردوش کشیدن تاکہ

حاج غلامرضا سازگار (میتھم)

ناخدای کشتی دل با شس و از طوفان مرنج

کشتی مامی رسد آخربہ ساحل غم مخور

کربہ عالم مشکلی داری خدا را صبر کن

یوسف زہرا نماید حل مشکل غم مخور

محمد حسن فرحبخش (ژولیحہ نیشابوری)







همه است آرزویم که بسیم از تو رویی

چه زیان تو را که من هم برسم به آرزوی

بکسی جمال خود را ننموده امی و بیم

بجهایه سر زبانی بود از تو گفت و گوئی

فصیح الزمان رضوانی شیرازی

عمرم تمام گشت ز بجران روی تو

ترسم شهابه خاکت برم آرزوی تو

با آنکه روی ماه تو از دید شد نمان

عشاق را همیشه بود دیده سوی تو

خلیل آستانه (شاهد)

کله از دست تو آیه کج بیاید کرد

در دجبران تو را با چه دو بیاید کرد

بیمبش خضر نبی رفت به سوی طلما

از لب تو طلب آب بقا بیاید کرد

سید عباس هاشمی (هاشمی)

خدا ما را به هجرت مبتلا کرد

عجب روی بلامی جان ما کرد

خطا گفتم صفتها می رذیله

مرا از تو، تو را از من جدا کرد

علی اصغر یونسیان (ملنجی)





عمری است کہ در دام ولای تو اسیرم

از عمر گران بی رخ زیبای تو سیرم

تہنا، ز خدا خواہم این است بہ عالم

یک بار تو را منم و صد بار میرم

محمد حسن فرحبخش (زولیدہ نیشاپوری)

شہر را کردم بہ شوقست کویہ کو منزل بہ منزل

یابہ دشت و کویہ صحرا بی منی دانم کجایی

کعبہ اسی یا کربلا یا دہخف یا کاسینے

یا کنار قبر زہرا بی، منی دانم کجایی

حاج غلامرضا سازگار (میتھم)

زبجران زخست در سینه ام غمخانه ای دارم

درون قلب محزونم غم جانانه ای دارم

از آن روزی که مهرت در دل من آشیان گزید

و گرازمردم عالم دل بسیکانه ای دارم

سید حسین هاشمی نژاد (هاشمی)

مهدیا، صورت زیبای تو دیدن دارد

سخن از لعل لب دوست شنیدن دارد

می کشم بار غم، بر تو با شور و شغف

چون که بار غم، بجز تو کشیدن دارد

سید حسین هاشمی نژاد (هاشمی)





دینیت تو، عالم و آدم نکران است

زیرا زمن و ما، رخ ماه تو نھسان است

لب تشبیب بحر که آن بحر امان است

یک قطره از این بحر امان، کون و مکان است

مرحوم ابو القاسم علی مدد کنی (قطره)

دیده در راه تو ای سرور دوران تا چند

دل در اندیشه حیران تو حیران تا چند

قلب امکانی و لھب با به تو کرد و مجسوع

بی تو جمعیت اسلام پریشان تا چند

محمد رضا یاسری (چمن)

شب گریخ متاب نیند، سخت است

لب تشه اگر آب نیند، سخت است

مانو کروار باب تویی مهدی جان

نو گریخ ار باب نیند، سخت است

محمد حسن فرحبخش (زولیده نیشابوری)

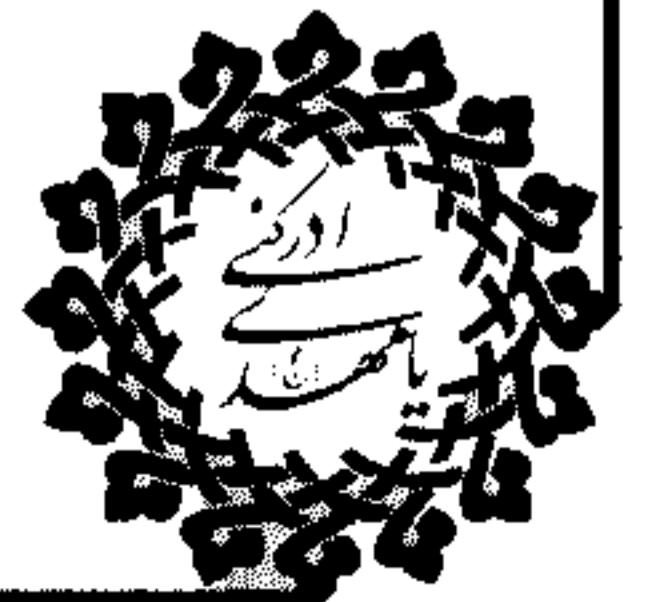
سرمه دیده من، تربت پاک قدمت

دو حتم دیده امید به لطف و کرمت

جبهه سالی حرمت موسی و عیسی و خلیل

من که باشم که نهم جبهه به خاکت حرمت

علی اصغر یونسیان (ملتجی)



فصل ششم

# دیدار

(نظور)

گفت پیغمبر رسول انس و جان  
کرمباند روزی از عمر جهان

حق کند طولانی آن یک وزرا  
تایاید مهدی صاحب زمان







از آندش خالق جبار خبر دأ

بر لوح و قلم عالم اسرار خبر دأ

حیرت بی ننگین بدو و ارج خبر دأ

بر مقدم او سید مختار خبر دأ

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)

صاحب خاتم و شمشیر و علم می آید

شہوار عرب و میر عجم می آید

اومی آید کہ زمین بار و گرزندہ شو

عطر توحید در آفاق پراکنده شو

خسرو، جز تو در این ملک سلیمانی نسبت

کی رسید مژده به موران کہ سلیمان آمد

خرم آن روز کہ از کعبہ مذا بر خیزد

کہ بہ فرمان خدا صاحب فرمان آمد

دکتر قاسم ریس (ریسا)

این جہان را باز جان آیدمی

یعنی آن جان جہان آیدمی

ای خوش آن وزی کہ گویند این خبر

حضرت صاحب زمان آیدمی

شیخ محمد حسین آیتی بیرجندی (ضیاءالدین)





قیامی کن شہا تا از قیامت  
در این دنیا بہ پاسازی قیامت

جہان را از آب عدل و داد حوا  
دہی بر حق پرستی استقامت

سید محمد حسن میر جهانی طباطبائی (حیران)

ای نخل تناور امانت، مہدے  
وی طوبی افراتہ قامت، مہدے

آیا چہ شود کہ مردم ما بینند  
بر پاست قیامت ز قیامت مہدے

مرحوم قاسم استادی (ثابت)

کی شود مولا سیانڈ محمدی زہر اسیانڈ

آنکہ از او عالم ہستی بود بر پاییانڈ

حجت خلاق سرمد محمی امین احمد

قائم آل محمد سرما اذوحی بیانیانڈ

علی اصغر یونسیان (ملنگی)

روزی کہ بشر عصارہ شکر کرد

دین بدف و شرافت شکر کرد

از بہر نجات خلق آید محمد

از زمین و موم او ورق برگرد

محمد حسن فرحبخش (ولیدہ نیشاپوری)





چون ظہور از مغرب آن مہر جان آرا  
کند عالمی روشن بہ نور طلعت زیبا

آن حجازی ماہ رخ چون پردہ از رخ و آ  
کند آفتاب و ماہ را از نور خود رسوا

تو گر عارض بر افروزی جهان بکیر شود روشن  
تو گر قامت بر افرازی قیامت باشد دریا

تو گر شکر بر انگیزی، سپاہ کفر بگریزد  
تو گر از جای برخیزی، نشیند فتنہ و غوغا

دکتر قاسم رسا (رسا)

آن کلی آمد کہ دینار گلستان کہنہ

از جمال خود جہان را بچو رضوان می کند

ای کہ می گفتی کہ بایک گل نہی کرد بہا

بسکراین گل را کہ دینار گلستان می کند

ای دل شیدا می ما، کرم تنامی تو

کی شود آخہ عیان طلعت زیبای تو

گرچہ نہانی ز چشم، دل نبود نا امید

می رسد آخربہ ہم چشم من و پامی تو



خسکان عشق را ایام در مان خواهد آمد

غم مخور از طیب و در مندان خواهد آمد

آفت در از کرد کار خویشن امیدوارم

که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد

سید عباس هاشمی (هاشمی)

عاقبت عالم پر از صلح و صفا خواهد شد

قلب معشوق پر از مهر و وفا خواهد شد

شام هجران غنم دل پیری خواهد گشت

یار بی پرده منسایان زخا خواهد شد

مکارم شیرازی



## فهرست اسامی شعرا

- |  |   |
|--|---|
| ۱ - خلیل آستانه (شاهد)                     | ۲۰ - محمد حسن فرحبخش (ژولیده نیشابوری)      |
| ۲ - آصف                                    | ۲۱ - غلامرضا قدس خراسانی (قدس)              |
| ۳ - علو آهری                               | ۲۲ - فؤاد کرمانی                            |
| ۴ - شیخ محمد حسین آینی بیرجندی (ضیاءالدین) | ۲۳ - محمد علی مجاهدی (پروانه)               |
| ۵ - مرحوم قاسم استادی (ثابت)               | ۲۴ - مفتون همدانی                           |
| ۶ - بهجتی                                  | ۲۵ - مکارم شیرازی                           |
| ۷ - حبیب چایچیان (حسان)                    | ۲۶ - سید رضا مؤید خراسانی (مؤید)            |
| ۸ - سید مهدی حسینی                         | ۲۷ - سید محمد حسن میرجهانی طباطبایی (حیران) |
| ۹ - احمد ده بزرگی                          | ۲۸ - دکتر احمد ناظرزاده کرمانی              |
| ۱۰ - دکتر قاسم رسا (رسا)                   | ۲۹ - محمد حسین نوروزی                       |
| ۱۱ - فصیح الزمان رضوانی شیرازی             | ۳۰ - مرحوم سید عباس هاشمی (هاشمی)           |
| ۱۲ - حاج غلامرضا سازگار (میشم)             | ۳۱ - سید حسین هاشمی نژاد (هاشمی)            |
| ۱۳ - محمود سنجری                           | ۳۲ - محمد رضا یاسری (چمن)                   |
| ۱۴ - محمد شریف صادقی (وفا)                 | ۳۳ - علی اصغر یونسیان (ملتجی)               |
| ۱۵ - حکیم صفای اصفهانی                     |   |
| ۱۶ - محسن عزیزی                            |   |
| ۱۷ - علی اصغر عقابی                        |   |
| ۱۸ - محمد علامه (علامه)                    |   |
| ۱۹ - مرحوم ابوالقاسم علی مددکنی (فطره)     |   |
- \* متأسفانه چون اسامی سراینده تعدادی از اشعار این مجموعه را نیافتم لذا از ذکرشان در این فهرست پوزش می‌طلبم!



## مؤسسه انتشارات مهام

کتابهای زیر به مناسبت پانزدهم شعبان منتشر نموده است.

- |  |                            |
|--|----------------------------|
| ۱۲ صفحه / رحلی / سرگرمی و مسابقه / تمام رنگی برای نوآموزان<br>آمادگی و دانش آموزان کلاس اول دبستان / ۳۵۰ تومان | □ سلام امام خوب ما         |
| ۱۲ صفحه / رحلی / سرگرمی و مسابقه / تمام رنگی / برای<br>دانش آموزان مقطع دبستان / ۳۵۰ تومان                     | □ صبح امید                 |
| ۲۴ صفحه / خشتی / شعر کودک و نوجوان / برای دانش آموزان<br>مقطع دبستان / ۳۵۰ تومان                               | □ دل پروانه تنگ است        |
| ۴۸ صفحه / رقصی / حکایت (بازنویسی تشرّف به حضور<br>ولی عصر (عج) / برای دانش آموزان مقطع راهنمایی / ۲۵۰ تومان    | □ گمگشته                   |
| ۴۸ صفحه / جیبی / اعتقادی / برای دانش آموزان مقاطع راهنمایی و<br>دبیرستان / ۲۲۰ تومان                           | □ شناخت امام زمان (عج)     |
| ۷۶ صفحه / رقصی / مجموعه شعر / برای دانش آموزان مقطع<br>دبیرستان / ۴۵۰ تومان                                    | ✓ با یاد یار تا لحظه دیدار |

برای تهیه کتابهای فوق به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۷۹۹ مکاتبه  
و یا با شماره تلفن و نمابر ۶۹۳۳۹۱۴ تماس بگیرید.

## فهرست کتب انتشارات مهام

- |  |   |
|--|---|
| □ سرای سرمدی (اثبات معاد)              | □ معجم توحید صدوق   |
| دکتر هادی قندهاری                      | علیرضا برازش  |
| □ سرای سرمدی (مرگ)                     | □ امامت حضرت علی <small>علیه السلام</small> در نگاه حدیث غدیر |
| دکتر هادی قندهاری                      | محمد روحانی   |
| □ سرای سرمدی (روح)                     | □ زندگانی حضرت فاطمه الزهرا <small>علیها السلام</small>       |
| دکتر هادی قندهاری                      | تحقیق و ترجمه محمد روحانی                                     |
| □ سرای سرمدی (برزخ)                    | □ ده گام تا دیدار خداوند                                      |
| دکتر هادی قندهاری                      | هیئت تحریریه انتشارات مهام                                    |
| □ بهار مهدی <small>علیه السلام</small> | □ سیمای علی <small>علیه السلام</small> به روایت اهل سنت       |
| رضا فیروز                              | دکتر سید حسن افتخارزاده                                       |
|  | □ برکهای فراتر از هفت دریا                                    |
|  | محمد جواد بهجو  |